

**بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا / ۱۳۷۱/۰۲/۲۳**

دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط - فرهنگ فساد و فحشا - سعی می‌کند جوانهای ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند، یک تهاجم فرهنگی بلکه باید گفت یک «شیخون فرهنگی» یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل عام فرهنگی» است. امروز دشمن این کار را با ما می‌کند. چه کسی می‌تواند از این فضیلتها دفاع کند؟ آن جوان مومنی که دل به دنیا نبسته، دل به منافع شخصی نبسته و می‌تواند بایستد و از فضیلتها دفاع کند. کسی که خودش آلوده و گرفتار است که نمی‌تواند از فضیلتها دفاع کند! این جوان باخلاص می‌تواند دفاع کند. این جوان، از انقلاب، از اسلام، از فضایل و ارزشهای اسلامی می‌تواند دفاع کند. لذا، چندی پیش گفتیم: «همه امر به معروف و نهی از منکر کنند.» الان هم عرض می‌کنم: نهی از منکر کنید. این، واجب است. این، مسوولیت شرعی شماست. امروز مسوولیت انقلابی و سیاسی شما هم هست.

**بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان / ۱۳۷۲/۰۲/۱۵**

مبارزه برای استقلال فرهنگی، از همه‌ی انواع استقلالات سخت‌تر است. من یک وقت گفتم دشمنان «شیخون فرهنگی» می‌زنند. این ادعا راست است و خدا می‌داند که راست است. بعضی نمی‌فهمند؛ یعنی صحنه را نمی‌بینند. کسی که صحنه را می‌بیند، ملتفت است که دشمن چه کار می‌کند و می‌فهمد که شیخون است، و چه شیخونی هم هست!

من در یک جمله‌ی ساده و کوتاه عرض کنم که ملت، با نیروی ایمان و اعتقادش مبارزه می‌کند. اصلا مبارزه و جنگیدن و مقاومت کردن، با ایمان است، نه با دست و چشم و بدن. دست و چشم و بدن ابزار است. یک آدم سالم و قوی، یک تیرانداز ماهر و آگاه به همه‌ی فنون جنگی را در نظر بگیرید که به جنگیدن ایمان ندارد. یک نفر ناوارد را هم در نظر بگیرید که بلد نیست چگونه تفنگ را به دستش بگیرد؛ اما معتقد است که باید با چنگ و دندان جنگید. این دو نفر، کدامشان بهتر می‌جنگند؟ آنکه جنگیدن بلد است، اما معتقد نیست، نمی‌جنگد! درست است که بلد است، اما بلدی خودش را به کار نمی‌اندازد. یکی هم هست که جنگیدن بلد نیست، اما معتقد است که باید جنگید. لذا با چنگ و دندان می‌جنگد و جنگیدن را در اسرع وقت یاد می‌گیرد.

مگر بسیجیهای ما چه کار کردند؟ بسیجیهای ما مگر دوره‌های آن‌چنانی دیده بودند؟ دوره‌های بیست روزه، دوره‌های چهل و پنج روزه، دوره‌های دوماهه و سه‌ماهه دیدند؛ اما دیدید در میدان جنگ چه کردند. چرا؟ چون معتقد بودند که باید دفاع کرد و جنگید. ملت ما از وقتی انقلاب کرد تا امروز، معتقد بوده است که باید با دشمنان اسلام بجنگد؛ با متجاوزین، با زورگوها و با آنهایی که سرنوشت این مملکت را دهها سال در دست داشتند و خوردند و چاپیدند و از بین بردند، باید مبارزه کند؛ باید همه‌ی لذتها را کنار بگذارد و به میدان مبارزه بیاید. ملت ما این عقیده را داشت؛ به میدان آمد و انقلاب پیروز شد، جنگ پیروز شد و تا امروز، بحمدالله، پیش آمده‌ایم.

حال اگر دشمن با امواج خیری وارد کشور ما شود؛ با رادیوهای وارد کشور ما شود و حرفهایش را وارد کشور ما کند و در ذهن ملت این‌طور وارد کند که «مبارزه خوب نیست؛ دفاع از اسلام فایده‌ای ندارد؛ ایستادگی در مقابل دشمن ثمری ندارد؛ هر چه زحمت بکشید و مبارزه کنید، ضرر کرده‌اید» آیا باز هم در مملکت ایران، مبارزه‌ای علیه دشمنان اسلام باقی خواهد بود؟! معلوم است که نه! خیلی از مسلمانان در دنیا هستند که با آمریکا و دشمنان اسلام مبارزه نمی‌کنند. خیلی ملتها هستند که قرآن هم می‌خوانند، نماز هم می‌خوانند، عبادت هم می‌کنند، اما با دشمن اسلام مبارزه نمی‌کنند که هیچ، با آنها دوستی هم می‌کنند! اگر دشمن بتواند ملت ما را به ملتی که اعتقادی به مبارزه ندارد، امیدی به پیروزی ندارد، زهدی نسبت به جلوه‌های شهنوایی و مادی ندارد، تبدیل کند، پیروز شده‌است. این‌جاست که مبارزه فرهنگی، مبارزه‌ای واجب‌تر از واجب می‌شود.

امروز این کار را می‌کنند. امروز در جبهه‌های مختلف، دشمن کار می‌کند. یک جبهه، جبهه‌ی جوانان ما در مدارس است. این جوانان عزیز ما دختران و پسران پاکیزه‌ی ما بچه‌های همین ملتند. دل پاکیزه، جسم پاکیزه و مغز پاکیزه آنها را با تحریکات شهنوایی، با پخش کردن عکسهای مهیج شهوت، با فیلم و ویدئو و نوار و انواع و اقسام خباثتها و زلاتها به جوش می‌آورند و آنها را به فساد می‌کشاند. ببینید این چه جنایت بزرگی است! این، یکی از کارهایی است که می‌کنند.

عده‌ای خیال کرده‌اند که وقتی ما به تهاجم فرهنگی عرب حمله می‌کنیم، فقط مسالمان این‌است که یک نفر در خیابان حجابش را درست رعایت نکرده است. مردم بحمدالله حجابشان را رعایت می‌کنند؛ الا افرادی قلیل. مساله‌ی اینها نیست. این، فرعی است. اصل قضیه آن است که داخل خانه‌هاست و از مجامع جوانان سرچشمه می‌گیرد و دشمنان آنجا کار می‌کنند. آنکه آشکار نیست، آنکه پنهان است، خطر آن‌جاست. جوانان ما شهوات را دور انداختند، راحتی و لذت را دور انداختند؛ رفتند در میدان مبارزه و توانستند دشمن را به زانو درآورند. حال دشمن از جوانان ما انتقامش را می‌گیرد. انتقامش چیست؟ انتقام دشمن این است که جوانان ما را به لذات و شهوات سرگرم کند. پول خرج می‌کنند، عکس مبتذل چاپ می‌کنند و مجانی بین جوانان منتشر می‌کنند. ویدئو درست می‌کنند و فیلمهای مهیج شهوت را مجانی به این و آن می‌دهند که نگاه کنند. البته، یک‌عده از این طریق، پول هم دست می‌آورند؛ اما آنهایی که سرمایه‌گذاری می‌کنند، برای پول، سرمایه‌گذاری نمی‌کنند. می‌توانند آنها را در کشورهای دیگر، آزادانه پخش کنند و پول به دست آورند. این‌جا می‌خواهند نسل جوان را ضایع و نابود کنند.

این، هجوم یک مهاجم است. حال، بینا و بین الله، اگر دستگاه قضایی این کشور، کسی را که به چنین فسادی دامن می‌زند، دستگیر کرد، چه مجازاتی برای او مناسبتر از همه است؟ کسی که هزاران جوان این مملکت را جوانان پاک و پاکیزه‌ی ما را؛ بچه‌های معصوم ما را به وادی فساد و شهوت‌رانی می‌کشاند، مجازاتش چیست؟ به نظر من، اینها باید به شدیدترین وجه مجازات شوند.

هدف تهاجم فرهنگی دشمن این است که ذهن مردم را عوض کند؛ از راه اسلام منصرف نماید و از مبارزه ناامید سازد. آن آقای که خودش به حسب آنچه که ما می‌بینیم خسر دنیا و الاخره است، بر می‌دارد می‌نویسد که «ملت ایران خسر دنیا و الاخره شده‌اند!» می‌نویسند، و چاپ هم می‌کنند که «مسلمانهای عالم و از جمله ملت ایران، خسر دنیا و الاخره شدند.» چرا؟ چون با آمریکا جنگیدند؛ مقصودش این است! این، خسر دنیا و الاخره بودن است؟! ملت ایران که توانست خود را از ذلت و وابستگی نجات دهد؛ توانست خود را از ذلت و ننگ ارتباط و اتصال با رژیم منحوس دست‌نشانده‌ی فاسد پهلوی و ارتباط با آمریکا نجات دهد و این‌طور شجاعت و شهامت و سربلندی در دنیا از خود به نمایش بگذارد و در جاده‌ی آزادی گام نهد، خسر دنیا و الاخره است؟! این جوانان ما، این خانواده‌های مومن ما، این زن و مرد دل‌باخته‌ی دین و عاشق راه خدا، خسر دنیا و الاخره‌اند؟! خودشان خسر دنیا و الاخره‌اند! کسی که این را می‌گوید، حقیقتا خسر دنیا و الاخره است. نه دنیا دارند، نه آخرت. دنیاشان، دنیا نکت؛ آخرتشان هم بلاشک، قهر و عذاب الهی است. نسبت به مردم این حرفها را می‌زنند و پخش هم می‌کنند. برای چه پخش می‌کنند؟ برای این‌که مردم را متزلزل کنند؛ برای این‌که ایمان مردم را عوض کنند. این، کار کیست؟ کار همان دشمنی که استقلال اقتصادی به ضرر اوست، استقلال سیاسی به ضرر اوست؛ استقلال فرهنگی به ضرر اوست.

اینها عوامل دشمنند. این، تهاجم فرهنگی است. این، مبارزه با ملت ایران است، که دشمنان انجام می‌دهند. مخصوصا ما هم نیست؛ اینها با اسلام بدن و با اسلام دشمنی می‌کنند.

حال وظیفه‌ی ما چیست؟ من می‌گویم وظیفه‌ی معلم و فرهنگی و دانش‌آموز که اینها در مرکز دایره قرار دارند و همچنین همه‌ی کسانی که با امور فرهنگی کشور سر و کار دارند، یک جهاد و مبارزه‌ی طولانی است.

**بیانات در دیدار جمعی از پاسداران / ۱۳۷۳/۱۰/۱۵**

اگر می‌بینید که مساله‌ی تهاجم فرهنگی یا شیخون فرهنگی یا قتل عام فرهنگی در این کشور به‌شدت از طرف دشمن دنبال می‌شود؛ اگر می‌بینید که تبلیغات دشمن در همه‌ی جای دنیا روی جمهوری اسلامی بیش از جاهای دیگر متمرکز است و اگر می‌بینید که دائم تلاش می‌کنند ذهن ملت - بخصوص جوانان و مومنین - را

در داخل جمهوری اسلامی تصرف کنند، به همین سبب است. دشمن و نهادهای دشمن، بر اثر تجربه فهمیده‌اند که انسان، آسیب‌پذیر است. می‌گویند: «هر انسانی، قابل فاسد شدن است. هر کس باشد، می‌توان فاسدش کرد.» البته راست می‌گویند؛ با یک استثنا: «الا المتقین». متقین را نمی‌توان فاسد کرد. آنها این را؛ یعنی معنای تقوا را دیگر نمی‌فهمند. بله؛ انسانها را می‌توان فاسد کرد و می‌توان زیباییهای دنیا را از طرق نامشروع در جلو چشم آنها به رژه در آورد و دلپایشان را برد؛ طوری که همه‌ی ارزشها را دور بریزند و در مقابل جلوه‌های مادی قربانی کنند. اما اگر تقوا نباشد: «الا المتقین». تقوا در قیامت هم اثر می‌کند، در دنیا هم اثر می‌کند، در سیاست هم اثر می‌کند، در حفظ نظام هم اثر می‌کند، در جنگ هم اثر می‌کند. و این را خود شما، درک و لمس کردید و دیدید.

#### بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۷۸/۰۱/۲۲

مردم را هدایت کنید؛ ذهن مردم را روشن کنید؛ مردم را به فراگرفتن دین تشویق کنید؛ دین صحیح و پیراسته را به آنها تعلیم دهید؛ آنها را به فضیلت و اخلاق اسلامی آشنا کنید؛ با عمل و زبان، فضیلت اخلاقی را در آنها به وجود آورید؛ مردم را موعظه کنید؛ از عذاب خدا، از قهر خدا، از دوزخ الهی بترسانید؛ انذار کنید - انذار سهم مهمی دارد؛ فراموش نشود - آنها را به رحمت الهی مژده دهید؛ مومنین و صالحین و مخلصین و عاملین را بشارت دهید؛ آنها را با مسائل اساسی جهان اسلام و با مسائل اساسی کشور آشنا کنید. این می‌شود آن مشعل فروزانی که هر یک از شما عزیزان این مشعل را در هرجا روشن کنید، دلها روشن خواهد شد؛ آگاهی به وجود خواهد آمد؛ حرکت به‌وجود خواهد آمد؛ ایمان عمیق خواهد شد. موثرترین حربه علیه این تهاجم فرهنگی و شیخون نامردانه‌ی دشمن همین است؛ از این به‌شدت نگرانم. می‌خواهند نگذارند که روحانیون جوان، مومن، شجاع، آگاه و خوشفکر، در محیطهای مختلف - در محیط دانشگاه، در محیط بازار، در محیط روستا، در محیط شهر، در محیط کارگاه - کار خودشان را انجام دهند. درست نقطه‌ی مقابل کار آنها، همین کار و مجاهدت فی‌سبیل‌الله شماسست که با اتقان و با دقت و بالاتر از همه با اخلاص انجام گیرد: «لم یکن منافسه فی سلطان و لا التماس شی من فضول الحطام».

#### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۹/۰۴/۱۹

وقتی می‌گوییم طرح امریکایی فروپاشی شوروی، لازم است سه نکته را در کنار این کلمه‌ی امریکایی عرض کنیم: نکته‌ی اول این است که وقتی می‌گوییم طرح امریکایی، معنایش این نیست که بقیه‌ی بلوک غرب در این زمینه با امریکا همکاری نداشتند؛ چرا، همه‌ی غرب و همه‌ی اروپا در این زمینه به شدت با امریکا همکاری می‌کردند. مثلاً نقش آلمان و انگلیس و بعضی کشورهای دیگر به صورت بارز بود. اینها همکاری جدی داشتند. نکته‌ی دوم این است که وقتی می‌گوییم طرح امریکایی، معنایش این نیست که ما عوامل داخلی فروپاشی شوروی را ندیده می‌گیریم؛ نخیر، عوامل فروپاشی در درون نظام شوروی وجود داشت و از آن عوامل دشمنشان بهترین استفاده را کرد. آن عوامل داخلی چه بود؟ فقر شدید اقتصادی، فشار بر مردم، اختناق شدید، فساد اداری و بوروکراسی. البته انگیزه‌های قومی و ملی هم در گوشه و کنار وجود داشت. نکته‌ی سوم این است که این طرح امریکایی یا غربی - به هر تعبیری که می‌گوییم - یک طرح نظامی نبود. در درجه‌ی اول یک طرح رسانه‌ای بود که عمدتاً به‌وسیله‌ی تابلو، پلاکارد، روزنامه، فیلم و غیره اجرا شد. اگر کسی محاسبه کند، می‌بیند که حدود پنجاه، شصت درصد آن مربوط به تاثیر رسانه‌ها و ابزارهای فرهنگی بود. عزیزان من! مساله‌ی تهاجم فرهنگی را - که من هفت، هشت سال پیش مطرح کردم - جدی بگیرید. شیخون فرهنگی، شوخی نیست. بعد از عامل رسانه‌ای و تبلیغی، در درجه‌ی دوم، عامل سیاسی و اقتصادی بود. عامل نظامی هیچ نبود.

#### پیام به کنگره جامعه اسلامی دانشجویان در مشهد / ۱۳۸۰/۰۶/۱۰

دل بی‌آلایش جوان، هنگامی که با نور ایمان و فروغ اندیشه‌ی عالمانه روشن شود گنجینه‌ی الهی است که فرآورده‌های آن، امروز و فردای کشور را بهره‌مند می‌سازد. در مرحله‌ی کنونی، آنچه میباید پس از تحصیل علم، در صدر فعالیت‌های دانشجویی قرار گیرد، ارتقا فکری دانشجویان در زمینه‌ی فرهنگ و سیاست است. امروز هیچکس نمیتواند انکار کند که فوریت‌ترین هدف دشمنان جمهوری اسلامی، تسخیر پایگاههای فرهنگی در کشور است. آنان درصددند بدین وسیله، باورهای اسلامی و انقلابی را که اصلی‌ترین عامل ایستادگی ملت ایران در برابر نظام سلطه‌ی استکباری است، از ذهنها و دلها بزایند و باورهای سلطه‌پذیری و فرو دستی در برابر غرب را به جای آن بنشانند. تلاش آشکار از سوی واسطه‌ها و دست‌نشانندگان امپراتوریهای زر و زور، در بسیاری از عرصه‌های فرهنگی برای تردید افکنی در میانی اسلام و انقلاب، امروز افراد دیر باور را نیز به دغدغه افکنده است، و کسانی که دیروز هشدار در برابر شیخون فرهنگی را جدی نمیگرفتند، امروز آن را به چشم خود می‌بینید. بیشک نخستین آماج این شیخون، جوانانند، بویژه آنانکه در جاده‌ی دانش و فرزانیگی قدم برمی‌دارند و آینده‌ی فرهنگی و سیاسی کشور در دست آنها است. درست است که دشمن به رغم تلاش و هزینه‌ی فراوان، نتوانسته است به محصول مورد نظر خود دست یابد، ولی به روشنی می‌دانیم که مهمترین پاسخ کوبنده‌ی بدخواهان، معرفت و ایمان روشن‌بینانه و قدرت تحلیل سیاسی است، و اینها همان است که تشکلهای دانشجویی شایسته‌ی همت گماشتن و پرداختن به آن میباشند.

#### پیام به گردهمایی دفتر تحکیم وحدت / ۱۳۸۱/۰۵/۲۷

اکنون خط مقدم جبهه‌ی ظلم و استکبار در تهاجم به ملت انقلابی ایران و نظام جمهوری اسلامی عملیه‌ی تبلیغ و بوقهای فریب و نیرنگ است. این نیز امروزه دیگر حقیقتی آشکار است که همت زورگویان و قلدران امریکایی بر غارت منابع نظری و معنوی و تهدید کردن ملت ایران از این پشتوانه اقتدار خویش است. این منابع همان ایمان و امید و انگیزه‌ی ملت ایران است و جوانان نخستین آماج این غارت فرهنگی هستند. نیت دشمن آن است که با اینکار هزینه‌ی تهاجم نظامی را از دوش خود بردارد و بدون آن به هدفهای پلید خود دست یابد. اگر آنان در غارت امید و ایمان و انگیزه‌ی جوانان ما موفق شوند سلطه‌ی دوباره‌ی آمریکا بر ایران حتمی و برای آنان بی‌هزینه است.

آنچه از روح جوانی و دانشجویی انتظار می‌رود، خنثی کردن جوانانه و شجاعانه‌ی این شیخون فاجعه‌بار است. دفتر تحکیم وحدت و دیگر مجموعه‌های دانشجویی باید این مسوولیت را به دوش خویش حس کنند. همت و اراده‌ی شما و تصمیم قاطعانه بر خسته نشدن از خباتتها و حماقتها، مهمترین سرمایه‌ی شما است. از خدای متعال کمک بخواهید و ارواح طیبه اولیای خدا و شهدای راه حق را به مدد بطلبید و با استقامت در این راه به پیش روید و خدا با ما است. و لینصرن الله من ینصره.

#### بیانات در دیدار مردم استان همدان / ۱۳۸۲/۰۴/۱۵

دشمنان ما بیش از آنکه به منابع طبیعی ما چشم طمع داشته باشند، به منابع انسانی - که منابع قدرت ما هستند - چشم طمع دارند. آنها می‌دانند اگر این سرمایه‌های اجتماعی از دست یک ملت گرفته شود، اگر یک ملت غیرت ملی و ایمان و وحدت و همبستگی خود را از دست بدهد، اگر نشاط کار و ابتکار را از دست بدهد، اگر حرکت علمی رو به پیشرفت خود را از دست بدهد، کاملاً در دسترس دشمنان قرار خواهد گرفت؛ می‌توانند راحت به او زور بگویند، می‌توانند بر او سلطه پیدا کنند، می‌توانند منابع طبیعی و مادی او را هم غارت کنند. آنچه سد مستحکمی در مقابل دشمنان قرار می‌دهد، همین سرمایه‌های معنوی است که باید مراقب باشیم دچار شیخون نشود.

من متأسفانه کسان بسیاری را دیده‌ام که در صحنه‌ی سیاسی و عرصه‌ی فرهنگی ادعا دارند که برای ملت کار می‌کنند؛ اما از این سرمایه‌ها محافظت نمی‌کنند. شما دیدید که در بعضی از روزنامه‌های ما علیه مجاهدت، ایثار، فداکاری، شجاعت و ایمان قلم‌فرسایی کردند. اینها به نفع کیست؟ به نفع دشمن است؛ به نفع ملت ایران نیست. ملت را از ایمانش تهیدست بکنند؛ مثل این است که زره را در میدان جنگ از تن او بیرون آورده باشند. اگر مردم یک کشور را از غرور ملی و

احساس مناعت و ایستادگی و استقامت تهیدست کنند، آنها را در مقابل دشمن خلع سلاح کرده‌اند؛ اینها سلاح معنوی دشمن است. نباید کسانی جهاد و شهادت را تحقیر و باورهای دینی مردم را انکار کنند و مورد تشکیک قرار دهند. نباید دستاوردهای انقلاب را کوچک بشمرند و تحقیر کنند.

#### بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی / ۱۳۸۵/۰۲/۲۹

امروز مهمترین چالش بیرونی تحمیلی ما، از ناحیه آمریکا است؛ در این هیچ تردیدی نداشته باشید. اینها روی خاورمیانه از قرن نوزدهم برنامه‌ریزی دارند - نه آمریکا، غرب - چون خاورمیانه منطقه فاصل بین دریای مدیترانه و اقیانوس هند است. دریای مدیترانه، محل استقرار دولتهای استعمارگر است و اقیانوس هند، منطقه مستعمرات؛ و خاور میانه بین این دو منطقه حساس قرار گرفته، که نمی‌توانستند نسبت به آن بی‌تفاوت باشند. فشارهای انگلیس روی ایران و نفوذش در قرن نوزدهم، برای حفاظت از هند - که آن روز جزو دولت بریتانیا بود - انجام گرفت و ما آن روز قربانی هند شدیم؛ و این نسبت به همه‌ی خاور میانه تعمیم دارد. پیدایش اسرائیل هم از همین‌جاست. بعد، عوامل گوناگون دیگری هم پیدا شد: مسئله نفت، مسئله تقسیم متصرفات عثمانی بعد از جنگ اول و مسئله پیدایش شوروی، که همه‌ی اینها، موضوع را تشدید کرد. غرب، بعد هم در آخر میراث‌خوار غرب - آمریکا - روی منطقه‌ی خاور میانه برنامه‌ریزی دارند. حالا در این منطقه حساس که در آن نفت و منطقه‌ی راهبردی و استراتژیک جغرافیایی و سیاسی و همه چیز هست، ناگهان دولتی به نام «جمهوری اسلامی»، با اصول خودش و با ضدیت با مبانی ظالمانه و سیاست متجاوزانه‌ی آمریکا، سر بلند کرده است. بعضیها می‌گویند: شما چرا لج آمریکا را در می‌آورید؟ لج آمریکا را ملت درآوردند؛ شما درآوردید؛ جمهوری اسلامی را تشکیل دادید، لج آمریکا درآمده، چه کارش کنیم؟ آنها در آن دوره‌ی ده ساله‌ی اول، با توطئه‌ی براندازی سخت - جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی - شروع کردند؛ اما نتوانستند کاری بکنند. جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی، هر کدام به نحوی برای ملت ایران و جمهوری اسلامی یک فرصت شد. این ابرهای تیره‌ای که آنها روی سر ملت ایران راه انداختند، در دل خود، برای ملت ایران بارانهای نافی داشت. جنگ، ما را مضموم و استوار کرد؛ تحریم اقتصادی، ما را به فکر اتکال به خود انداخت و همه‌ی این برکات را برای ما آورد. در دوره‌ی بعد، براندازی نرم را دنبال کردند - تهاجم فرهنگی و شیخون فرهنگی - که آن هم به جایی نرسید و بعد از سالهای متمادی، نتیجه این شد که حالا یک دولت متکی به اصول و با شعار اصول سرکار می‌آید، که پیداست تهاجم فرهنگی نتوانسته آن کاری که آنها می‌خواستند، بکند. بعد از این هم توطئه‌های دیگر در راه است، که ما باید خودمان را مضمون کنیم. بخشی از این مصونیت با اتحاد، با ایمان، با به کارگیری عقل و علم به وجود می‌آید. تاکید می‌کنم که اگر انسان چشم را ببندد و راه بیفتد، کاری پیش نمی‌رود؛ با چشم باز، با حواس جمع، با اتحاد کلمه و با استفاده از همه‌ی فرصتها باید پیش رفت. همه‌ی مشکلات یکی پس از دیگری حل خواهد شد؛ قله‌ها یکی پس از دیگری فتح خواهد شد.

#### بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی / ۱۳۸۷/۱۱/۲۸

امروز ملت ما در مقابل خود یک جبهه‌ی گسترده‌ای را ملاحظه می‌کند که با همه‌ی توان خود درصدد این است که انقلاب اسلامی را از خاصیت و اثر ضد استکباری بیندازد. از اول پیروزی انقلاب، همان جبهه سعی‌اش این بود که نگذارد جمهوری اسلامی که مولود انقلاب است، پا بگیرد؛ همه‌ی تلاش خودشان را کردند که جمهوری اسلامی را از بنیان نگذارند رشد کند، و البته نتوانستند. اقدام سیاسی کردند، محاصره‌ی اقتصادی کردند، جنگ تحمیلی را هشت سال بر این ملت تحمیل کردند، دشمنان این ملت را تجهیز کردند، وسوسه‌های درونی را به جان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی انداختند، نتوانستند. به این نتیجه رسیدند که نظام جمهوری اسلامی را نمیشود ساقط کرد؛ چون مدافع آن، حامی آن، سینه‌های سپرکرده‌ی مردم مومن است؛ میلیونها انسان مومن این نظام را نگه داشته‌اند. بحث مسئولین و دولت و بحث اینها نیست. یک وقت یک نظام قائم به چند نفر است و یک عده مرتزقه‌ی یک نظامند؛ آن نظام برای استکبار خطری ندارد. یک وقت یک نظام متکی به ایمانهای مردم است، متکی به دل‌های مردم، به پشتیبانی عمیق مردم است، این نظام را نمیشود تکان داد. این را استکبار فهمیده است. همین راهبیمانی‌ها، همین ۲۲ بهمن امسال شما مردم، این یک نمایش بسیار باشکوه و پر عظمت بود. پیشرفت‌های علمی، حضور جوانها در صحنه‌های مختلف، شعارهای انقلاب که خوشبختانه زنده‌تر از پیش شده است - کسی از مسئولین با شرمندگی نسبت به شعارهای انقلاب مواجه نمیشود؛ افتخار میکنند به استقلال، به آزادی، به اسلام، به این قانون اساسی معتبر و پرمغز و پرمعنا - نشان میدهد که نظام را نمیشود تکان داد. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که باید از محتوای نظام هر چه میتوانند کم کنند. این تهاجم فرهنگی که بنده چند سال قبل گفتم، این شیخون فرهنگی که انسان در بخشهای مختلف علائم آن را مشاهده میکرد و امروز هم انسان آن را در بخشهای مختلفی می‌بیند، به این نیت است؛ با این قصد است؛ انقلاب را از محتوای خود، از مضمون اسلامی و دینی خود، از روح انقلابی خود تهی کنند و جدا کنند. این، از همان نقاط حساسی است که هوشیاری مردم را میطلبد. این هم مثل همان قضیه بیست و نه بهمن است. خیلی‌ها اهمیت بیست و نه بهمن را نفهمیدند، شما تبری‌ها این را فهمیدید، در مرحله‌ی عمل هم، این فهم خودتان را به کار بستید؛ در همه‌ی مقاطع همین جور است. اهمیت حوادث را باید ملت ما درک کند؛ و خوشبختانه امروز درک میکنند؛ ملت کاملاً هوشیارند. خود این هم یکی از برکات انقلاب و نظام جمهوری اسلامی بوده است. مردم بیدار شده‌اند، قدرت تحلیل پیدا کردند.

#### بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم / ۱۳۹۷/۰۵/۲۳

[آمریکایی‌ها] از جنگ فرهنگی هم مایوسند. ببینید؛ در دهه‌ی ۷۰ که دهه‌ی دوم انقلاب ما بود، یک حرکت فرهنگی خباثناک‌آلودی علیه کشور ما شروع شد که بنده همان وقت مسئله‌ی تهاجم فرهنگی را مطرح کردم، مسئله‌ی شیخون فرهنگی را مطرح کردم، برای اینکه جوانها حواسشان باشد، چشمشان باز باشد، مردم بدانند. یک حرکت وسیع فرهنگی علیه کشور ما در دهه‌ی ۷۰ شروع شد؛ حالا شما نگاه کنید؛ متولدين دهه‌ی ۷۰، امروز دارند می‌روند به عنوان مدافع حرم جان میدهند، سر میدهند و نیرو میدهند؛ نعششان برمیکردند! چه کسی این را حدس میزد؟ در همان دورانی که آن تهاجم وسیع فرهنگی بود، این گلها در بوستان جمهوری اسلامی شکفته شدند، این نهالها روییدند، حججی‌ها درست شدند؛ پس ما در جنگ فرهنگی پیروز شدیم و دشمن در جنگ فرهنگی شکست خورد. یک جنگ فرهنگی راه انداختند در دهه‌ی ۷۰ و بخشی از دهه‌ی ۸۰، برای اینکه افتخارات دفاع مقدس را به فراموشی بسپارند، و اصرار داشتند بر این؛ [اما] جمهوری اسلامی یک فناوری نرم را به وجود آورد، یعنی حرکت عمده‌ی راهیان نور. راهیان نور یک فناوری است؛ یک فناوری قدرت نرم است. میلیونها جوان راه افتادند رفتند در جبهه‌های جنگ، در آن کانون معرفت و قدس، در آن کانون فداکاری، آنجا دیدند که چه وضعیتی بوده است و چه اتفاقاتی افتاده است؛ [برایشان] شرح دادند و در ماجرای دفاع مقدس قرار گرفتند. بله، جمهوری اسلامی این است؛ مدافع حرم تربیت میکند؛ راهیان نور راه می‌اندازد؛ معتقدین در مساجد را - که تقریباً همه هم جوانند، به‌عنوان یک نماد عالی تضرع و فداست - به وجود می‌آورد؛ اینها که [قبلاً] نبود؛ پس ما در جنگ فرهنگی بر دشمن پیروز شدیم. در جنگ نظامی هم ما پیروز شدیم.

